

درس سوم

۱-	با شنیدن این کلمات به یاد چه موضوعی در زندگی پیامبر اسلام می‌افتید؟ عبدالله، یتیم، صحرا، آمنه، امین جواب: عبدالله: نام پدر پیامبر (ص)؛ یتیم: پیامبر قبل از به دنیا آمدن، پدرشان را از دست دادند و در شش سالگی نیز مادرشان از دنیا رفت؛ صحرا: پیامبر ۴ سال اول زندگی خود را در صحرا بودند؛ آمنه: نام مادر پیامبر(ص)؛ امین: پیامبر ما به علت راستگویی و درست کاری به محمدامین معروف بودند.
۲-	آیهی « فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ » با کدام سخن پیامبر در داستان «همیشه با من» ارتباط دارد؟ جواب: من کسی را دارم که همیشه و در همه جا با من است. او مرا از خطرهای حفظ می‌کند.
۳-	با خواندن هر جمله، به یاد کدام ویژگی پیامبر اسلام می‌افتید؟ * چرا برادرانم هر روز باید سختی و خطر بیابان را تحمل کنند ولی من در سایه‌ی خیمه استراحت کنم؟ الف) مهربان و دلسوز ب) شجاع ج) با ادب * مادر جان! چرا من با برادرانم به صحرا نمی‌روم؟ گرمای بیابان سوزان است و خطر گرگ و نیش مار و عقرب هم وجود دارد. الف) خداپرست ب) مهربان و دلسوز ج) شجاع * من کسی را دارم که همیشه و همه جا با من است؟ الف) با ادب ب) خداپرست ج) شجاع * گفت: مادر! از این گردن‌بند هیچ کاری بر نمی‌آید؟ الف) با ادب ب) مهربان و دلسوز ج) خداپرست
بقیه سوالات در صفحه سوم	

2/1

۴-	جمله‌های درست و نادرست را مشخص کنید: الف) پیامبر همیشه با همه‌ی مردم مهربان بود. جواب: درست پیامبر (ص) کودکی خود را در شهر گذراند. جواب: نادرست
۵-	نام دایه‌ی پیامبر (ص) بود. جواب: حلیمه
۶-	پیامبر (ص) از همان کودکی به اعتقاد داشت. جواب: خداوند یکتا
۷-	چرا دایه‌ی پیامبر (ص) نمی‌گذاشت او با برادرانش به صحرا برود؟ جواب: چون گرمای صحرا بسیار سوزان بود و خطر مرگ و نیش مار و عقرب وجود داشت.
۸-	حضرت محمد (ص) هنگام بازکردن گردن بند به دایه‌اش چه گفت؟ جواب: از این گردن‌بند هیچ کاری بر نمی‌آید. من کسی را دارم که همیشه و در همه جا با من است. او مرا از خطرهای حفظ می‌کنند.
۹-	پیامبر ۴ سال اول زندگی خود را بودند. جواب: صحرا
۱۰-	چرا به پیامبر محمد امین می‌گفتند؟ جواب: پیامبر ما به علت راست‌گویی و درست کاری به محمد امین معروف بودند.